

ابتدال فرهنگ هواداری؛ نسخه انتخابات ۱۴۰۳



علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

پس از تنش‌های انتخابات مجلس دوازدهم شورای اسلامی حالا زنگ خطر بی‌اخلاقی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم به صدا درآمده است. جایی که سه نفر از حجج اسلام در صفحات مجازی خود کاندیداهای مدنظرشان برای کرسی ریاست جمهوری را معرفی کردند و بلافاصله با حمله حامیان کاندیدای دیگر مواجه شدند. کشمکش‌های سیاسی به ویژه در روزهای انتخاباتی در همه نظام‌های دموکراتیک مرسوم است؛ اما خارج شدن آنها از چهارچوب و انحراف مسیر به سمت ابتدال سیاسی تبعات خوشایندی به همراه ندارد. ازجمله مواردی که در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد، مساله «آزادی بیان» است که در وضعیت ره‌اشدگی قرار گرفته است. فرانسیس فوکویاما فیلسوف آمریکایی در کتاب «لیبرالیسم و ناراضیان» به نسبت میان آزادی بیان و حلاقی که لیبرالیسم متحمل می‌شود و نقش «تغییرات فناوری» در این مناقشات پرداخته و می‌نویسد: «راست و چپ همزمان با حمله گسترده به لیبرالیسم آزادی بیان را هم مورد مناقشه قرار داده‌اند. همین‌طور تغییرات فناوری که مجراهای جدید و آزموده‌نشده‌ای در برقراری ارتباطات در جوامع به وجود آورده، آزادی بیان را سخت به چالش کشیده است.» براین اساس باید ضمن ریشه‌یابی این بی‌اخلاقی که در انتخابات اخیر خود را نشان داده، سیر آن را نیز مورد توجه قرار داد و در نهایت راهکارهایی برای رفع آن پیدا کرد.

چرا در انتخابات‌ها بی‌اخلاق می‌شویم؟

دوقطبی‌ها و حملات سیاسی پای ثابت نظام‌های سیاسی دموکراتیک مبتنی بر برگزاری انتخابات است. در ایران هم این مساله وجود دارد و ریشه آن به اواخر دهه ۷۰ و حملات سازمان یافته به اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم برمی‌گردد. مخالفان هاشمی رفسنجانی معتقد بودند تمام مشکلات کشور حاصل مدیریت اوست، رفسنجانی را با القابی مثل «عالیجناب سرخ‌پوش» خطاب می‌کردند. مسیر این حملات و شکل‌گیری دو قطبی‌های سیاسی میان نامزدها به انتخابات ریاست جمهوری دهم و ماجراهای سال ۸۸ رسید؛ بنابراین این شکل از تب و تاب‌های انتخاباتی مورد غیرطبیعی و نوظهوری نیست. این روند اما وقتی از حالت طبیعی خود خارج می‌شود که زمینه‌های ورودش به فضای غیراخلاقی و توهین‌آمیز فراهم شود. کمتر از دو هفته قبل رهبر انقلاب در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) به رعایت اخلاق در انتخابات تاکید کرده و گفتند: «در این حرکت عظیمی که انجام می‌گیرد، در رقابت‌های پیش‌روی انتخاباتی بین نامزدها، اخلاق حاکم باشد؛ بدگویی کردن، تهمت زدن، لجن پراکنی کردن، کمکی به پیشرفت کارها نمی‌کند، به آبروی ملی هم لطمه می‌زند.» ایشان در ادامه با بیان اینکه صحنه انتخابات صحنه کشش و واکنش برای به‌دست آوردن قدرت نیست، ادامه دادند: «صحنه انتخابات صحنه عزت و حماسه است، صحنه رقابت برای خدمت است. برادرانی که وارد میدان مبارزه انتخاباتی و رقابت انتخاباتی می‌شوند، این را به عنوان یک وظیفه بدانند.» تاکید بر رعایت موازین اخلاقی در عرصه‌های سیاسی همیشه مورد تاکید ایشان بوده و این را در بیانات مختلف به دولت‌مردان و مجلس نشیان گوشزد کرده‌اند. با این حال اما در دو رویداد مهم سیاسی اخیر کشور شاهد کم‌توجهی به این موازین اخلاقی بودیم؛ چنانچه برخی افراد، بهارستان را محلی برای

حل و فصل خصومت‌های شخصی دیده بودند و به محض نزدیک شدن به روز رای‌گیری، دست به افشاکاری اسنادی زدند که احتمالا از ماه‌ها قبل تنظیم و تدوین شده بود. همان روزها طی گزارشی در «فرهنگ‌نگار» به این موضوع اشاره کردیم که این بی‌اخلاقی‌ها و افشاکاری‌های هدفمند در روزهای منتهی به انتخابات، نه تنها پادزهری برای حل و فصل مشکلات کشور نیست، که زهر مهلکی برای فلج کردن اعتماد عمومی به سپهر سیاسی و مشارکت مردمی خواهد بود. همچنین پیش‌بینی می‌شد که این بداخلاقی‌ها در صورت تشدید و تداوم می‌تواند به انتخابات ریاست جمهوری هم سرایت کند و حلال پس از چندماه این اتفاق در انتخاباتی زود هنگام صورت گرفته است.

چماق داران دیجیتال مشغول کارند

همزمان با پخش برنامه‌های تلویزیونی با حضور شش کاندیدای ریاست جمهوری دولت چهاردهم، مردم و چهره‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی حمایت خود را از کاندیدای مدنظر اعلام می‌کنند. این روند از روز بیست و یکم خرداد و آغاز برنامه‌های تلویزیونی آغاز شد تا اینکه روز پنجشنبه ۲۴ خرداد صفحه منتسب به ناصر رفیعی با انتشار پستی حمایت ایشان از کاندیدای مدنظرش را اعلام کرد اما در فاصله چند ساعت مجبور به حذف آن شد. همین اتفاق برای احسان بی‌آز تهرانی و مسعود عالی رخ داد؛ وی در این باره نوشت: «مادم از ولایت می‌زیم، حضرت آقا صریح فرمودند تهمت نزدیک و لجن پراکنی نکنید، شان ایشان نبود بگویند فحاشی و تکفیر نکنید.» وی به همه‌هایی که علیه رفیعی صورت گرفت اشاره کرده و دلیل پاک شدن پست حمایتی از کاندیدای مدنظرش را توهین‌هایی که به او شده است دانست.

هجمه‌ها و حملاتی که به قصد عقب‌نشینی این افراد از انتخابات‌های شخصی خود انجام شده را می‌توان در سه حالت بررسی کرد؛ ۱. در نگاه بدبینانه می‌توان این اقدام را از سوی رقبای انتخاباتی این افراد و حامیان‌شان دانست. در این نگاه ممکن است نامزد انتخاباتی بتواند حامیان‌ش را علیه نامزد رقیب به انجام این کار دعوت کند. از سوی دیگر به دلیل گسترده بودن بستر انتخابات ریاست جمهوری، این اقدامات ممکن است بدون آگاهی نامزد و صرفا توسط حامیان تندرو وی صورت گرفته باشد که در هر صورت قابل سرزنش است.

۲. معمولا در بزنگاه‌های مهم و حیاتی کشور در سطح ملی، ردپایی از فراکنان در خارج از کشور دیده می‌شود. این موضوع آن جهت برای دشمنان اهمیت دارد که می‌تواند به وسیله ایجاد یک رقابت غیراخلاقی، باعث سرخوردگی رای دهندگان شده و آمار مشارکت را کاهش دهد. در ادامه این عدم مشارکت رای دهندگان، مشارکت دموکراتیک را تضعیف می‌کند و چنین حملاتی به فرد یا گروه خاص در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند روند انتخابات را منحرف کند.

۳. نظر به سابقه طولانی دشمنان و فراکنانی که همواره ایجاد و تشدید شکاف‌های سیاسی و اجتماعی در ایران را جزئی از رسالت خود می‌دانند، این احتمال هم وجود دارد که آنها با ساخت صحنه‌های غیر واقعی و با هویت‌های جعلی دست به این اقدام زده باشند. اما درست بودن فرض ادعای «انقلابی بودن» حمله‌کنندگان به سه روحانی که فقط از نامزد مدنظر خود اعلام حمایت کرده بودند، خطرناک‌تر از هر احتمال دیگری است. چنانچه در انتخابات مجلس نیز همین اتفاق رخ داد و بی‌اخلاقی‌هایی دیدیم که مورد توجه رهبر انقلاب نیز قرار گرفت. این مساله همیشه مورد تاکید بوده است که افراد و گروه‌هایی که ادعای دلسوزی برای کشور دارند نباید در صحنه‌ای بازی کنند که دشمن آن را بازگردانی می‌کند.

آسیب‌های بازی در زمین دشمن

توجه ویژه به چهارچوب‌های اخلاقی به ویژه در رویدادهای حساس کشور از جمله انتخابات همواره مورد تاکید رهبر انقلاب بوده است. ایشان در بخشی از بیانات خود در دیدار با جمعی از رای‌اولی‌ها و خانواده شهدا در روز نهم اسفند ۱۴۰۲ انتخابات را یک فرصت دانسته و گفتند: «از این فرصت باید استفاده کرد؛ هم به نفع کشور است، هم دشمنان کشور را مایوس می‌کند؛ امثال سیاستمداران آمریکا و سی‌آی‌ا و صهیونیست‌های خبیث ظالم و دیگران را که نشسته‌اند چهارچوبی مسائل ما را دانه دانه رصد می‌کنند، مایوس می‌کنند؛ حضور در انتخابات، دشمنان را مایوس می‌کند. این مطلب اصلی ما.» بر این اساس کنش‌های انتخاباتی باید به نفع کشور باشد نه آبی که آسیاب دشمنان را بیش از پیش بچرخاند. این حملات علاوه بر ایجاد دوقطبی و ایجاد انحراف در روند انتخابات آسیب‌های جدی دیگری هم در پی دارد:

۱. **تضعیف اعتماد عمومی:** بی‌اخلاقی‌ها و دوقطبی‌ها در انتخابات به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای انتخاباتی و به‌طور کلی نظام سیاسی منجر می‌شود. وقتی مردم شاهد بی‌اخلاقی‌های گسترده در انتخابات هستند، اعتماد خود را به مشروعیت و شفافیت فرآیند انتخابات از دست می‌دهند.

۲. **افزایش تنش‌های اجتماعی:** دو قطبی‌های شدید می‌تواند به تقسیم جامعه به گروه‌های متشنج منجر شود که این وضعیت اغلب به افزایش تنش‌ها و برخورد‌های اجتماعی می‌انجامد. این تنش‌ها ممکن است به خشونت‌های سیاسی، اعتراضات گسترده و حتی درگیری‌های فیزیکی منجر شود.

۳. **کاهش مشارکت سیاسی:** بی‌اخلاقی‌ها و دوقطبی‌ها می‌تواند باعث کاهش مشارکت مردم در انتخابات شوند. وقتی مردم احساس کنند که انتخابات از روند اصولی و طبیعی خود خارج شده، انگیزه خود را برای شرکت در انتخابات از دست می‌دهند. این کاهش مشارکت می‌تواند به نمایندگی ناعادلانه و مشروعیت ضعیف‌تر دولت منجر شود.

۴. **بی‌ثباتی سیاسی:** دوقطبی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی را تشدید کنند. در نظام‌های سیاسی که دوقطبی‌های شدید به وجود می‌آید، هر انتخاباتی می‌تواند به بحران سیاسی منجر شود. این

بی‌ثباتی می‌تواند موجب تعویق تصمیمات مهم دولتی، ناتوانی در اجرای سیاست‌ها، و حتی سقوط دولت‌ها شود.

۵. **انحراف اراده مردم:** بی‌اخلاقی‌ها می‌تواند اراده واقعی مردم را تحریف کنند. این مساله منجر به انتخاب نمایندگان می‌شود که واقعا نماینده خواسته‌ها و نیازهای مردم نیستند و همین موضوع در ادامه به نوبه خود موجب نارضایتی و بی‌اعتمادی بیشتر می‌شود.

۶. **تقویت گرایش‌های پوپولیستی و تندرو:** در جوامعی که بی‌اخلاقی سیاسی وجود دارد، سیاستمداران پوپولیست و تندرو می‌تواند با بهره‌برداری از احساسات و نگرانی‌های مردم، قدرت را به دست آورند. این گرایش‌ها معمولاً به سیاست‌های ناپایدار و گاه افراطی منجر می‌شود که می‌تواند وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور را وخیم‌تر کند.

۷. **تضعیف فرهنگ سیاسی:** بی‌اخلاقی‌ها و دوقطبی‌ها به تضعیف فرهنگ سیاسی جامعه منجر می‌شوند. در چنین فضایی، اصول دموکراسی، احترام به نظرات مخالف، و فرهنگ گفت‌وگو و تفاهم به حاشیه رانده می‌شوند و جای خود را به تقابل و نفرت پراکنی می‌دهند.

چطور از بی‌اخلاقی‌ها دور شویم

وضع و اجرای قوانین سختگیرانه‌تر برای مقابله با تخلفات انتخاباتی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری از بی‌اخلاقی‌ها در در انتخابات باشد. از سوی دیگر ایجاد نهادهای مستقل و قدرتمند برای نظارت بر انتخابات و تضمین شفافیت در تمامی مراحل آن می‌تواند به کاهش بی‌اخلاقی‌ها کمک کند. همچنین افزایش آگاهی و آموزش مردم در مورد اهمیت انتخابات سالم و اصول اخلاقی می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مناسب و کاهش بی‌اخلاقی‌ها کمک کند. بی‌اخلاقی‌ها در انتخابات، اگرچه مشکل پیچیده‌ای هستند، اما با اتخاذ تدابیر مناسب و همکاری نهادهای مختلف می‌توان تا حد زیادی از وقوع آنها جلوگیری و به برگزاری انتخابات سالم و عادلانه کمک کرد. به علاوه این انتظار از نامزدها وجود دارد که نه تنها خودشان بی‌اخلاقی نکنند بلکه جلوی بی‌اخلاقی‌های هواداران خود را نیز بگیرند.



منافقین مفلوک‌تر از آن هستند که دولت مکرون پایشان بایستد

دم خروس در اورسورواز



هفته گذشته ۳ خبر در رسانه‌ها منتشر شد که بی‌ارتباط با یکدیگر نبودند؛ نخستین خبر، حال وخیم مریم رجوی سرکرده گروهک تروریستی منافقین بود. این خبر را که ایرنا به نقل از «یک منبع آگاه» منتشر کرد، حکایت از آن داشت که رجوی «حین بازگشت از پاریس به سمت مقر خود در «اور سورواز» دچار حمله عصبی شدید شده و بلافاصله به بیمارستان منتقل شده است.» این منبع خبری از «وخامت» وضعیت رجوی و «آماده‌باش» تیم حفاظت رجوی برای جلوگیری از «نشت هرگونه خبر پیرامون او» خبر داده بود. با توجه به پنهان‌کاری منافقین درباره سرزوشن مسعود رجوی سرکرده پیشین این گروهک، این خبر کمی جدی به نظر می‌رسید. سال‌هاست که در تصاویر نشست‌ها و دوره‌های این سازمان تروریستی دیگر تصویری از حضور مسعود رجوی منتشر نمی‌شود، با وجود اینکه رسانه‌ها از احتمال مرگ سرکرده این گروهک خبر می‌دهند اما منافقین هیچ‌گونه واکنشی به این خبر حتی با تایید و یا تکذیب آن نشان نداده است. تا به امروز استراتژی رسانه‌ای منافقین درباره اعلام خبر مرگ پدر معنوی این گروهک تروریستی نامشخص است. از این منظر خبر وخامت حال مریم رجوی، در ایران بازتاب قابل توجهی داشت. با اخبار غیررسمی منتشر شده در فضای مجازی و رسانه‌های غیررسمی، برخی اعلام کردند که مریم رجوی بر اثر ابتلا به سرطان مرده است. چند روز پس از این اخبار، منافقین تصاویری از دیدار مریم رجوی با امیل بلسیگ رئیس نمایندگان پیشین مجلس ملی فرانسه را منتشر کردند تا اعلام کنند حال سرکرده این گروهک مساعد است.

خبر دوم که البته از خبر نخست بسیار پراهمیت‌تر به نظر می‌رسد، حمله پلیس فرانسه به مقر منافقین است. پلیس فرانسه روز چهارشنبه به ساختمانی در مقر منافقین حمله کرده که گفته می‌شود مقر سری ستاد اطلاعات منافقین، بخش جاسوسی تلفنی و یکی از استودیوهای تلویزیون این گروهک بوده است. شبکه تلویزیونی تی‌اف‌وان فرانسه در گزارشی اعلام کرد نیروهای پلیس، ژاندارمری و سازمان مبارزه با کلاهبرداری فرانسه بعد از ظهر چهارشنبه (به وقت محلی) با حمله به مقر گروهک تروریستی منافقین در منطقه سن اوئن لومون، اماکن متعلق به این گروهک تروریستی را تفتیش کردند.

براساس گزارشی شبکه تلویزیونی تی‌اف‌وان فرانسه، ساختمان‌های تفتیش شده گروهک تروریستی منافقین واقع در سن اوئن لومون به ویژه یک کانال تلویزیونی را در خود جای داده‌اند که به عنوان دستگاه تبلیغاتی این گروهک تروریستی در فرانسه محسوب می‌شود. در گزارش



این شبکه تلویزیونی فرانسوی آمده است دلیل تفتیش اماکن گروهک تروریستی منافقین هنوز از سوی پلیس این کشور به تفصیل اعلام نشده است. در این حمله سه نفر از اعضای این گروهک دستگیر و تعدادی سلاح نیز کشف شده است.

در جریان این حمله و بازرسی کامل پلیس از مقر مذکور، تجهیزات فنی همچون دستگاه‌های ترمینیشن و مستندات آرشویی مهمی کشف و ضبط شده است. این مستندات آرشویی کشف شده مربوط به جاسوسی منافقین از ایران است. همچنین براساس اطلاعات موجود، پلیس فرانسه تمامی مدارک، مستندات و سیستم‌های موجود در این مقر را ضبط و خارج کرده است. در این حمله ۳ نفر از اعضای این گروهک بازداشت و تعدادی اقلام ممنوعه نیز کشف شده است. حمله پلیس فرانسه به مقر منافقین در حالی صورت گرفته است که سال گذشته حوالی همین ایام، پلیس آلبانی به مقرهای ۳ و ۴ اشرف در آلبانی حمله کرد و ضمن ضرب و شتم عناصر این گروهک تروریستی، تجهیزات جاسوسی و عملیات سایبری آنها را توقیف کرد. پلیس در توضیح این حمله اعلام کرده بود: «عملیات جست‌وجو در راستای اجرای قانون ویژه پیگرد علیه فساد و جنایت سازمان یافته (GJKO) انجام شده است.» پس از این عملیات پلیس آلبانی، «ادی

البته از این موضوع آگاه بودند. آنها پس از لغو گردهمایی‌شان مدعی «معامله دولت ایران و فرانسه» بر سر آنان شدند؛ اقدامی که حداقل یک بار دیگر رخ داده بود. در سال ۱۳۶۵ فرانسه برای آزادسازی گروگان‌هایش در لبنان، به تهران متوسل شد. یکی از شروط ایران برای کمک به آزادی گروگان‌های فرانسوی، اخراج منافقین از فرانسه بود که مورد پذیرش این کشور نیز قرار گرفت تا منافقین مجبور شوند برای ادامه حیات به صدام حسین پناه ببرند.

اما سومین خبر که آن را می‌توان در چهارچوب خبر پراهمیت دوم ارزیابی کرد، آزادی لویی آرنو یکی از جاسوس‌های فرانسوی در ایران است. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس خبر از آزادی آرنو در ایران داد. آزادسازی این جاسوس فرانسوی تقریباً همزمان با حمله پلیس فرانسه به مقر منافقین در این کشور بود و همین امر احتمال تبادلات و توافقات امنیتی میان ایران و فرانسه را تشدید می‌کند. توافق امنیتی میان ایران و فرانسه بر سر منافقین، این گزاره را که غرب وقتی پای میز مذاکره با ایران می‌نشیند به راحتی حاضر به معامله بر سر گروهک‌های تروریستی و اپوزیسیون است، یک بار دیگر به اثبات رساند. این معامله این بار سر گروهکی انجام گرفته که از نگاه غربی‌ها تنها گروه ظرفیت‌دار در میان مخالفان ایران است. از این رو نیز بیشترین حمایت‌ها از این گروه صورت می‌گیرد. این رویکرد غرب البته بی‌ارتباط به ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ نیست؛ در آن سال غرب با تمام توان و استفاده از همه ابزارهای موجود از قبیل مقامات سیاسی، رسانه‌ها و حتی گروهک‌های تروریستی سعی در سرنگونی حکومت در ایران داشتند اما ایران با کمک مردم توانست این ناآرامی‌ها را کنترل کند. پس از پایان این آشوب‌ها سرویس‌های امنیتی ایران مقابله با این گروهک‌ها را در دستورکار خود قرار داد و به کشورهای میزبان تروریست‌ها هشدارهای لازم درباره تداوم پشتیبانی از این گروهک‌ها را داد. در منطقه هم ایران به طور جدی به دولت عراق و اقلیم کردستان درباره فعالیت‌های تروریستی گروهک‌های کردی هشدار داد و برای عقب‌نشینی آنان از مرزهای ایران، اولتیماتوم تعیین کرد. تحرکات نظامی در غرب کشور نشان می‌داد تهدید ایران لفاظی نیست و تهران آماده عملیات پاکسازی در داخل خاک عراق است. همین امر نیز باعث شد تروریست‌ها از مرزهای ایران به منطقه‌ای دیگر جابه‌جا شوند. به نظر می‌رسد منافقین در فرانسه نیز نتوانند به حیات تروریستی‌شان ادامه بدهند. شاید آنها برای مدتی بتوانند توافقات امنیتی باعث شد تلاش منافقین برای انتقال پایگاه‌هایشان از آلبانی به فرانسه، با مخالفت دولت این کشور مواجه شود. منافقین